

ترجمه‌ی این کتاب تا به
سید عزیزم تقدیم می‌کنم.

داستان دوست من (کنولپ)

چند کلمه به نام
هرمان هسه نویسنده

مترجم

سروش حبیبی

مترجم

سروش حبیبی

هرمان هسه در دوم ژوئیه ۱۸۷۷ م. در ایالت وورتمبرگ آلمان زاده شد. خانواده پدری او چند سالی در گوینگن^۱ به مایرهای واهی^۲ رفت و در سال ۱۸۹۱ به حوزه علمی دیر ماولر^۳ پیوست تا خود را به زندگی و کار روحانی آماده کند و سنت خردگانی را بی گیرد. اما در سال ۱۸۹۲، در اثر طغیان آب خودشناسی و نظرش به جهان هستی تحول یافت و آن مدرسه را ترک کرد. گوشش همیشه به صدای غیرعادیهای مختلف به جای رسید و سرانجام فعالیتش در کارمند کتابفروشی پایتخت شد و در این شغل بود که مقدمات آشنایی و رفاهی نویسنده‌گی را تحصیل کرد.



نسترا

تهران

۶ خیابان ۹۷/۱۶، پلاک ۱۱، تهران، تلفن: ۸۱۵۹۹۹

۱۳۹۷

1. Calw 2. Württemberg ۱۳۹۷ www.nestra.com

ترجمه‌ی این کتاب را به
سعید عزیزم تقدیم می‌کنم.

چند کلمه‌ای در معرفی نویسنده

هرمان هسه در دوم ژوئیه‌ی ۱۸۷۷ در کالو^۱، واقع در ایالت وورتمبرگ^۲ آلمان، زاده شد. خانواده‌اش همه از مبلغان پروتستان بودند. او چند سالی در گوپینگن^۳ به مدرسه‌ی مذهبی رفت و در سال ۱۸۹۱ به حوزه‌ی علمیه‌ی دیر ماولبرون^۴ پیوست تا خود را برای زندگی و کار روحانی آماده کند و سنت خانوادگی را پی گیرد. اما در سال ۱۸۹۲، در اثر طغیان تب خودشناسی، نظرش به جهان هستی تحول یافت و آن مدرسه را ترک کرد. کوشش‌هایش برای آموختن حرفه‌های مختلف به جایی نرسید و سرانجام فعالیتش در مقام کارمند کتاب‌فروشی پایاتر شد و در این شغل بود که مقدمات اصلی حرفه‌ی نویسندگی را تحصیل کرد.

1. Calw 2. Württemberg 3. Göppingen 4. Maulbronn

در ۱۹۱۲ به سوییس رفت و در ۱۹۱۹ در مونتانیولا، کنار دریاچه‌ی لوگان، اقامت گزید و در ۱۹۲۳ تابعیت کشور سوییس را پذیرفت.

هرمان هسه یکی از درخشان‌ترین نویسندگان آلمانی‌نویس است و در شعر و داستان‌سرایی آثار بزرگی پدید آورده است. داستان بسیار زیبا و دل‌انگیز سیدارتهای او حاصل این عشق عمیق به فرهنگ هند باستان است. شاهکارهای بزرگ او در اقلیم داستان‌سرایی عبارتند از دمیان (۱۹۱۹)، گرگ بیابان (۱۹۲۷)، نارتسیس و گلدموند (۱۹۳۰)، سیدارتهای (۱۹۳۱) و بازی گویچه‌های بلورین (۱۹۴۲).

در آثار بزرگ هرمان هسه اغلب دو قطب دیده می‌شود که در قالب دو شخصیت متضاد تظاهر می‌کنند؛ هر دو جلوه‌های سرشت خود اویند که در عین تضاد با هم پیوندی نزدیک دارند. این دو چهره در دمیان امیل سینکلر و میمانند، در گرگ بیابان هاری هالر و هرمینه، در سیدارتهای گوویندا و سیدارتهای او در نارتسیس و گلدموند دو قهرمانی که نام خود را به اثر داده‌اند.

هرمان هسه در دوران حکومت نازی‌ها مغضوب نظام قهار هیتلری بود. در سال ۱۹۴۶ جایزه‌ی نوبل ادبیات به او داده شد. در همان سال بود که جایزه‌ی گوته‌ی شهر فرانکفورت نصیب او گردید و در سال ۱۹۵۵ جامعه‌ی ناشران آلمان جایزه‌ی صلح خود را به او داد. هسه در سال ۱۹۶۲ در سوییس درگذشت.

اکثر داستان‌های بزرگ هسه از جمله سیدارتهای، میمان، گرگ بیابان، روسهالده و بازی گویچه‌های بلورین به فارسی برگردانده شده‌اند. آنچه پیش روی شماست ترجمه‌ی کتاب کوچک داستان دوست من (کنولپ) است که در سال‌های دهه‌ی شصت در اروپا با استقبال شدید خوانندگان روبه‌رو شد.

چند کلمه‌ای هم در معرفی این اثر عرض می‌کنم. کنولپ، قهرمان این داستان، رندی آزاده است و قلندری رهاگرد.

در زندگی موفقیتی نصیبش نشده و در پایان عمر دستش از هر بضاعتی خالی است. رهاگردی است که در دستگاه بی‌رنگ اما به قید قاعده در آمده‌ی کارگران و زحمتکشان وصله‌ی ناهم‌رنگی است و در نظام بی‌نشاط زندگی پرتلاش و حساب سوداگران جایی ندارد. اما در پشت نقاب شادی و بازیگوشی این رهاگرد خیالپرداز، که با روح ساده و کودکانه‌ی خود همه‌جا برای مردم زحمتکش و سرب‌راه شهرها و دهات شادمانی و شادابی و برای کودکان و دختران بازی و بذله و دلدادگی ارمغان دارد، مرد دیگری نهفته است که تنها و بی‌خانمان است و به رهاگردی و بی‌آرامی محکوم. هیچ‌جا ریشه‌ای استوار ندارد و از شیرینی پیوند با زن و فرزند بی‌نصیب است. آزادی از بندهای خانه و تنفس هوای پاک صحرا و هم‌نفسی با طبیعت و هزاران لذت دیگر رهاگردی را به شیرینی و کامیابی و آرامش و امن استقرار نمی‌دهد. سرانجام، در پایان راه دشوار زندگی، در بوران شدید خود را آماده می‌کند که در آغوش مادر خود، طبیعت، جان بسپارد. آن‌گاه خدا را در